

# نقدی بر بازخوانی جمله‌ای از کشف‌المحجوب

محسن لطفی عزیز

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا و دبیر مدارس راهنمایی همدان

## چکیده

در کتاب زبان و ادبیات فارسی عمومی (۲ و ۱) پیش‌دانشگاهی، درسی با عنوان «من این همه نیستم» برگرفته از کتاب کشف‌المحجوب هجویری گنجانده شده است. آقای سعید باجووند در مقاله‌ای یکی از جمله‌های این درس «این پیر زندیق آمد» را بررسی کرده و با ارائه خوانشی دوگانه، ساختار دستوری اسنادی از آن به‌دست داده است. نگارنده در این نوشته کوتاه با انتقاد بر این تعبیر، از زاویه‌ای دیگر به زیبایی شناختی این جمله پرداخته است.

**کلیدواژه‌ها:** خوانش دوگانه، کژتابی دستوری، پارادوکس

در کتاب زبان و ادبیات فارسی عمومی پیش‌دانشگاهی، درسی با عنوان «من این همه نیستم» برگرفته از کتاب کشف‌المحجوب هجویری گنجانده شده است. موضوع این درس درباره‌ی شیخ ابوطاهر حرمی است. وی یکی از بزرگان صوفیه بوده که مریدان بسیار داشته است. روزی وی همراه یکی مریدان از کویی می‌گذشت. رندی نحفاظ به وی جسارت کرده و جمله «آن پیر زندیق، آمد» را در نگویش وی آواز داد.

۱-۱- آقای سعید باجووند در شماره دوم از دوره بیست و سوم فصلنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی سال ۱۳۸۸،

جمله، پذیرفتن حالت یا بروز تحول را نشان نمی‌دهد که بتوان فعل «آمد» را اسنادی تعبیر کرد. در پاره زیر فعل «آمد» اسنادی است:

خشک آمد کشتگاه من در جوار کشت همسایه (شعر نیما، محمد حقوقی، ۱۳۸۳)

در این پاره شعر از نیما یوشیج، فعل «آمد» در معنای اسنادی است؛ یعنی تحولی صورت پذیرفته است، اما در جمله مورد بحث چنین برداشتی از کلام نمی‌توان ارائه داد و به این نتیجه می‌رسیم که اطلاق جمله اسنادی به آن نادرست است بلکه بروز فعل و عملی را می‌رساند و آن عمل، ورود پیر به محله یا کوچه‌ای است که در متن اصلی به آن اشاره شده است.

## ۲-۱- پارادوکس در ساختار جمله

با نگاه زیبایی شناسانه به جمله «آن پیر زندیق، آمد» متوجه پارادوکس ملیح و پنهانی در آن می‌شویم. با این توضیح که پیر در ادب فارسی و به‌ویژه در عالم عرفان، راهبر و راهنمای سالک در مسیر سلوک الی‌الله است. او از همه موانع دنیوی و مادی مسیر سلوک آگاه است و شخصیتی مقدس و الهی است و در نقطه مقابل آن، واژه «زندیق» بار معنایی کاملاً منفی، پلشت و اهریمنی دارد. با

از جمله «آن پیر زندیق آمد» که از نظر ایشان کژتابی دستوری دارد، خوانشی دیگر به‌دست داده است. البته با کمال احترام و ارج‌گذاری به نظر و قلم ایشان به نظر می‌آید که این‌گونه خوانش مناسب و صحت ندارد. ایشان در قرائت دوم خود جمله مذکور را طوری خوانده است که واژه «زندیق» مسند به شمار آمده و فعل «آمد» اسنادی تلقی شده است.

ایشان یکی از دلایل خود مبنی بر صحت این‌گونه خوانش را تکیه بر واژه «زندیق» ابراز داشته است. با توجه به القابی که خود شیخ در متن داستان برای مرید خویش بازگو می‌کند، القابی مثل: شیخ زکی، شیخ زاهد، شیخ امام و... در صورتی که این برداشت ایشان درست باشد (تکیه بر صفت- زندیق- بدون همراهی واژه «پیر» برای قرار گرفتن در کنار سایر القاب شیخ) صحیح‌تر آن است که عبارت «پیر زندیق» را به‌صورت ترکیب وصفی تلفظ کنیم. تا از نظر آهنگ و موسیقی، متناسب با سایر القاب شیخ باشد: پیر زندیق، شیخ زکی و...

به‌نظر می‌آید که جدا کردن واژه زندیق و استعمال آن به‌صورت مفرد از بار موسیقایی کلام در مقابل سایر القاب ذکر شده می‌کاهد. دلیل دیگر برای اثبات نادرست بودن قرائت دوم این جمله، آن است که ایشان فعل «آمد» را در جمله مذکور اسنادی گرفته‌اند. ساختار این



## سیما غلامی

کارشناس زبان و ادبیات فارسی / دبیرستان شهید شرافت / ناحیه یک کرج

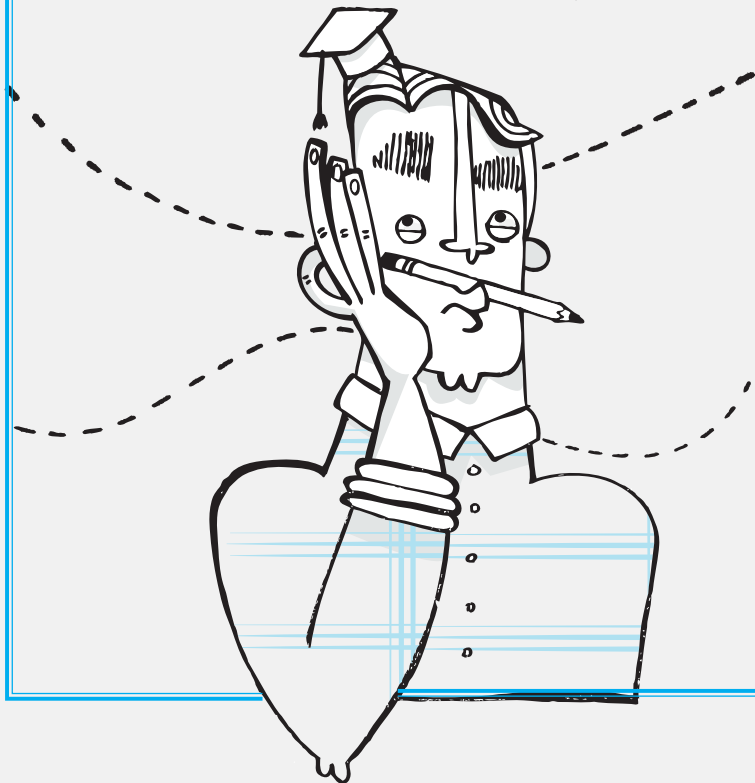
معلمان در پرسش و پاسخ‌های کلاسی و امتحانی با دانش‌آموزانی سروکار دارند که گاه جواب‌های عجیب و غریب می‌دهند و در حقیقت لطیفه می‌سازند. نمونه‌ای را که خود در یکی از برگه‌های امتحانی دانش‌آموزی شاهد بوده‌ام، ذکر می‌نمایم.

در سؤال پایان ترم زبان فارسی سال اول، پرسش نموده بودم که در جمله زیر کدام عبارت نادرست است؟

پیامبر صلی‌الله‌فرمود: «علم بیاموزید، حتی اگر در چین باشد.» و از دانش‌آموزان خواسته بودم دلیل خود را ذکر نمایند.

پاسخ درست این بود که جملات دعایی عربی که در زبان فارسی به کار می‌رود باید به‌طور کامل نوشته شود و صلی‌الله نادرست است و باید به صورت صلی‌الله علیه و آله و سلم نوشته شود.

ولی، دانش‌آموزی پاسخ داده بود علت نادرست بودن جمله این است که اگر ما خیلی درس خوان باشیم در کشور خود هم می‌توانیم، درس بخوانیم. نیازی نیست این همه هزینه کنیم و به خود و خانواده سختی بدهیم و تا چین برویم که درس بخوانیم!



این تعریف از دو واژه یاد شده و نگاهی دقیق‌تر به جمله مورد بحث، در کنار هم قرار گرفتن این دو کلمه (پیر و زندیق) با معانی کاملاً متضاد از یکدیگر، زیبایی هنری چشم‌نوازی خلق شده است که به آرایه «پارادوکس» نزدیک‌تر است.

اگر این آرایه مضمّر و شیرین را در قالب داستان و فضای حاکم بر آن رصد کنیم، این‌طور به نظر می‌آید که رند رهگذر که ظاهراً اختلافات عقیدتی با شیخ ابو طاهر حرمی داشته است با طنزی گزنده که شباهت زیادی به هجو دارد که، با تیغ بران زبان خود، شیخ را به سخره گرفته است. با قائل شدن به صنعت ادبی پارادوکس در جمله «آن پیر زندیق، آمد» این معنا از آن دریافت می‌شود که منظور رند گستاخ آن است که شیخ ابوطاهر در باطن پیر و راهنمای سالکان طریقت، آن‌چنان‌که، اطرافیان وی و یا خودش مدعی هستند، نیست بلکه شخصی گمراه از وادی حقیقت و معرفت الهی است که فقط در ظاهر کسوت و شمایل شیخ را بدک می‌کشد و جو فروش گندم نماست!

### منابع

۱. حقوقی، محمد؛ شعر نیما از آغاز تا امروز، نگاه، تهران، ۱۳۸۳.
۲. هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان؛ کشف‌المحجوب، تصحیح محمود عابدی، سروش، تهران، ۱۳۸۷.
۳. باجووند، سعید؛ «بازخوانی جمله‌ای از کشف‌المحجوب»، فصلنامه آموزشی زبان و ادب فارسی، دوره ۲۳، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۸.